

مفاهیم طراحی در زمینه‌ی بیگانه* تحلیل منطقه‌گرایی در آثار معماران غیر بومی در کشورهای مسلمان حوزه‌ی خلیج فارس

حمیدرضا شایان**^۱، دکتر علیرضا عینی فر^۲، دکتر داراب دیبا^۳

^۱ دانشجوی دکتری معماری پردیس هنرهای زیبا، مربی گروه معماری مجتمع آموزش عالی جندی شاپور، خوزستان، ایران.

^۲ دانشیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۳ استاد دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۱۲/۲، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۲/۵)

چکیده:

تحلیل چگونگی مواجهه‌ی معمار با زمینه‌ی فرهنگی بیگانه، بر اساس رویکرد منطقه‌گرایی، اساس مقاله‌ی حاضر است. این رویکرد، از آن جهت مورد توجه قرار دارد که دربرگیرنده‌ی چالش‌ها و تضادهای مختلفی است که جوهره‌ی تفکرات امروزی چند جهانی شدن را بنا می‌نهد. پرسش اصلی آن است که توجه به چه مفاهیمی، می‌تواند مطلوبیت آثار معماران غیر بومی را در پیشگاه سایر مولدهای طراحی (کارفرما، مخاطب و قانون‌گذار) تضمین کند؟ تحلیل آثار معماران مطرح در زمینه‌ی فرهنگی ویژه‌ی نظیر کشورهای مسلمان حوزه‌ی خلیج فارس، نشان از وجود مفاهیمی نظیر نمود فناوری مدرن، بیان استعاره‌ای فرم، هماهنگی فعال با شرایط اقلیمی، توجه به ویژگی‌های سایت، توجه به اصول معماری اسلامی، به کارگیری جزئیات، مصالح و تزئینات بومی و الهام از مفاهیم خاص منطقه‌ای دارد که در قالب کلیدواژه‌گان طراحی و به عنوان نقطه‌ی اشتراک منطقه‌گرایی و تجارب معماری در زمینه‌ی بیگانه نتیجه شدند. تحلیل نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بیان استعاره‌ای فرم‌های بومی در قالب فناوری مدرن، مهم‌ترین رویکرد عملی معماران در زمینه‌ی بیگانه در راستای ایجاد تعامل میان هویت جهانی و هویت منطقه‌ای است. همچنین، نمونه‌های موفق، بر فرآیند تعامل معمار و بستر طراحی تأکید داشته و به ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی لازم جهت پیوند منطقی با ویژگی‌های جهان امروز توجه دارند.

واژه‌های کلیدی:

زمینه‌ی بیگانه، منطقه‌گرایی، فناوری، فرهنگ، تعامل.

* این مقاله برگرفته از مباحث رساله‌ی دکترای معماری نگارنده با عنوان "معماری در زمینه‌ی بیگانه، تحلیل نظریه‌ی منطقه‌گرایی تعاملی، در آثار دهه‌های ۶۰ تا ۹۰ معماران غیر بومی در کشورهای مسلمان حوزه‌ی خلیج فارس" می‌باشد که در پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران به انجام رسیده است.

** نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۲۲۵۴۴۳۴۱، نمابر: ۰۲۱-۸۸۷۲۱۹۰۹، E-mail: shayan_art@yahoo.com

مقدمه

زیست انسانی که در اجتماع نهادینه شده است (مالینوفسکی، ۱۳۸۴، ۱۷)، محور اصلی تعاملات میان انسان‌ها قلمداد می‌گردد. چند جهانی شدن، مواجهه‌ی معمار با زمینه‌ی بیگانه را، متأثر از شیوه‌ی تعامل معماری و فرهنگ می‌داند که به عنوان یکی از جنبه‌های رابطه‌ی انسان و محیط مصنوع (Rapoport, 1990) و با هدف ارتقای کیفیت آن، بر حوزه‌ی اندیشه و عمل معماری سایه افکنده است.

رویکردها و نظریه‌های مختلفی بر پایه‌ی تبیین تعامل معماری و فرهنگ^۱ بنا شده‌اند. از آن میان، منطقه‌گرایی، بر اساس توجه به ویژگی‌های جهانی شکل گرفته است (Canizaro, 2007). تحلیل تجارب معماران در زمینه‌های بیگانه نشان می‌دهد که منطقه‌گرایی، با توجه به رویه‌های عملی گوناگون خود، توانسته موضوعات و چالش‌های مهمی از قبیل رابطه‌ی فرهنگ بومی و فرهنگ جهانی را به پاسخ‌های معمارانه نزدیک سازد. انعطاف‌پذیری ساختار نظری منطقه‌گرایی، می‌تواند متناسب با تغییر شرایط اجتماعی و فرهنگی، رابطه‌ی معماری و بستر فرهنگی را بازتعریف نماید.

حضور معماران، در سرزمین‌هایی متفاوت با زادگاه خویش، اگرچه سابقه‌ای نسبتاً طولانی دارد، اما در دوران معاصر و با بسط نظریات معمارانه، با چالش‌های فراوانی روبرو شده است. در ابتدای قرن بیستم، استیلای تفکر نوگرایی و پیامد آن سبک بین‌الملل، معماری را از حرفه‌ای منطقه‌ای، به اتفاقی جهانی مبدل ساخت. بسیاری از معماران، به دلیل انگیزه‌های خاص سیاسی و اقتصادی، فراتر از مرزبندی‌های مرسوم، به طراحی در سرزمین‌های دیگر علاقمند شدند. این حرکت در دهه‌ی پایانی قرن گذشته بر پایه‌ی بنیان‌های نظری جهانی شدن، از حرکتی فردی و سلیقه‌ای، به پدیده‌ای سازمان یافته تغییر چهره داد.

اما با آغاز هزاره‌ی سوم و ورود به عصر دنیای چند جهانی، شرایطی رخ داد که در آن، شیوه‌های مختلف مواجهه با موضوع جهانی شدن، در قالب نگرش منطقه‌گرایی و رویکردهای جهانی-بومی، به رسمیت شناخته شدند (برگر و هانتینگتون، ۱۳۸۴، ۲۸). در این شرایط، فرهنگ، به عنوان سازمانی منسجم از فرآیندهای

۱- چارچوب نظری و مفاهیم بنیادین پژوهش

- نگرشی چند فرهنگی به فلسفه‌ی علوم اجتماعی (فی، ۱۳۸۶)
- نگرشی چند فرهنگی به معماری (آنتونیادس، ۱۳۸۱)
- نگرش منطقه‌گرایی حاکم بر اندیشه‌ی جهانی شدن (مامفورد، ۱۳۸۵)

۱-۲- **منطقه‌گرایی**: منطقه‌گرایی، یکی از رویکردهای معماری است که در تعامل با فرهنگ و بستر فرهنگی قرار داشته و بر لزوم توجه به ویژگی‌های فرهنگی، جغرافیایی و اقلیمی یک منطقه خاص تأکید می‌کند (Colquhoun, 2007, 147). این خصوصیات در نهایت، به معماری "حال و هوا" بخشیده و حس مکان را در مواجهه با فضاها تقویت می‌کنند (شولتز، ۱۳۸۶، ۱۴۹). منطقه‌گرایی، معنایی فراتر از توجه کالبدی به ویژگی‌های بارز مکانی دارد (مامفورد، ۱۳۸۵). طرح تضادهای دوگانه‌ی نظیر پابندی-واکنش^۲، تقلید-ابداع^۳ و سنت-مدرنیته^۴، به‌همراه پرسش‌هایی از تاریخ‌گرایی^۵، رمانتیسیسم ملی‌گرایانه^۶، عرصه‌ی بیرونی نظریه و حرفه و مفهوم اصالت^۷، نشان از چالش نهفته در بطن معنای منطقه‌گرایی دارد (Canizaro, 2007). بررسی‌های تاریخ معماری معاصر نشان از آن دارد که این رویکرد، متناسب با ساختارهای تفکر حاکم، با پسوندهای مکملی همراه گشته که رویه‌ی عملی آن را مشخص نموده است. با بررسی روندی که از منطقه‌گرایی ارجاعی^۸ آغاز گشته و تا منطقه‌گرایی بازآفرین^۹ ادامه یافته است، این نتیجه به‌دست می‌آید که توجه به مکان به عنوان یک رخداد تاریخی-اجتماعی، توجه به انسان و توجه به فناوری به عنوان سازوکارهای اجتماعی، اساس بحث‌های منطقه‌گرایی را تشکیل می‌دهند.

نوشتار حاضر در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که معماران در زمینه‌ی بیگانه، چگونه از داده‌های بستر فرهنگی، جهت خلق معماری مطلوب بهره می‌گیرند؟ به این منظور ابتدا لازم است تا پیش فرض‌های قطعی پژوهش در قالب مفاهیم بنیادین، تبیین شوند. مفاهیم بنیادین پژوهش، به مفاهیمی اطلاق می‌شود که زبان تحلیل پژوهش بر اساس آنها تدوین شده و به مرحله‌ی اجرا درمی‌آید. چارچوب نظری در تحقیق حاضر بر اساس تعریف دو موضوع "معماری در زمینه‌ی بیگانه" و "منطقه‌گرایی" و با این فرضیه شکل می‌یابد که مواجهه‌ی معماران با زمینه‌ی بیگانه، در چارچوب رویکرد منطقه‌گرایی منجر به خلق آثار فرهنگی مقبول شده است.

۱-۱- **معماری در زمینه‌ی بیگانه**: اثر معماری، حاصل تعامل میان مولدهای طراحی یعنی کارفرما، مخاطب، معمار و قانونگذار است (لاوسون، ۱۳۸۴). معماری در زمینه‌ی بیگانه، بر اساس توجه به رابطه‌ی معماری و بستر فرهنگی، به شرایطی اطلاق می‌شود که میان پیشینه‌های فرهنگی معمار و سایر مولدهای طراحی، تفاوت وجود داشته باشد. به عبارتی دیگر، معمار در جایی خارج از سرزمین خود و برای مخاطبان، کارفرمایان و قانون‌گذارانی متعلق به همان جای بیگانه به طراحی بپردازد. بررسی حوزه‌ی ادبیات موضوع و تحلیل آثار شاخص، بنیان نظری معماری در زمینه‌ی بیگانه را بر اساس سه نگرش ذیل بنا نهاده است:

بهره برداری و با استناد به چهار مؤلفه‌ی تعامل فرهنگی (فرهنگ، فناوری، مکان و هویت) تحلیل می‌شود. تحلیل بناها، از طریق نگاه بیرونی مؤلف به نمونه‌ها، با استناد به تحلیل‌های موجود نظریه‌پردازان صورت می‌گیرد. انتخاب دقیق واژگان تحلیل، تعمیم‌پذیری بیرونی نتایج را در شرایط مختلف، امکان‌پذیر می‌سازد.

۳- کلیدواژه‌های تحلیلی

از کلیدواژه‌های تحلیلی با عنوان مفاهیم طراحانه نیز یاد می‌شود. یک معمار در فرآیند طراحی معماری، قسمتی از اهداف مورد نظر را در قالب کلیدواژه‌هایی ثبت می‌کند که برخی از آنها به صورت مستقیم در طرح اثرگذارند. با توجه به ادبیات موضوع، واژه‌های مذکور، از تحلیل رویکرد منطقه‌گرایی و مفاهیم وابسته به دست آمده‌اند. واژه‌های کلیدی انتخاب شده برای تحلیل و بررسی هر یک از پروژه‌های مورد نظر در این پژوهش، عبارتند از:

۳-۱- نمود فناوری مدرن

بهره‌گیری از فناوری‌های مدرن، چه در فرآیند طراحی و برنامه‌ریزی و چه در مرحله‌ی ساخت، از مهم‌ترین رویکردهایی است که معماران در مواجهه با موقعیت‌های مختلف در کشورهای مورد مطالعه، اتخاذ کرده‌اند.^{۱۲} بارزترین مشخصه‌ی بناهای مطرح در این حوزه، توجه به فناوری‌های معاصر است. در مرحله‌ی پیش از طراحی، یعنی زمانی که هزینه‌های طراحی و ساخت پروژه‌ها برآورد می‌شود، استفاده از فناوری‌های نوین، تأثیرات فراوانی بر روند تصمیم‌گیری‌ها خواهد داشت. فناوری‌های مدرن، این امکان را برای معماران فراهم می‌آورد تا آنها بتوانند برخی فرم‌های سنتی و فرهنگی را به بیان امروزی، ترجمه کنند.^{۱۴} (تصاویر ۱ و ۲).



تصویر ۱ (بالا) - ایده‌ی فرم چادرهای صحرائشینیان، به جای استفاده از تنه درختان و پارچه، به وسیله‌ی کابل، فولاد و پوشش‌های تفلون در فرودگاه جده، احیا شده است، همین ایده در هتل و مرکز همایش مکه (تصویر ۲، پایین) نیز دنبال شده است.

ماخذ: (Uddin Khan, ed, 2000, 159-126)

۲- روش تحقیق

نظریه‌هایی که از تعامل معماری و بستر فرهنگی نتیجه شده‌اند به هنگام کاربرد در حوزه‌ی عمل با چالش‌هایی روبرو شده‌اند که از عدم تمایل نظریه‌پردازان فرهنگی به ورود به حوزه‌ی عمل معماری ناشی شده است. دلیل این بی‌رغبتی، تلاش برای پاسخ به ابهاماتی است که در دهه‌های گذشته از تسلط عمل‌گرایی بر معماری به وجود آمده است. امروزه، زمان آن رسیده که حرفه‌گرایان^{۱۱} معماری، خود را بیش از گذشته به مردم نزدیک کرده و با زندگی آنها بیشتر درگیر شوند.^{۱۱} از طرفی افراط در تأکید بر اصالت نظریه، معماران را در فضایی مبهم سرگردان می‌کند که برای برون رفت از آن، بازکاوی اصول و معیارهای نظری از طریق تحلیل آثار مطرح، در چارچوب روش مورد پژوهی کارساز می‌باشد.

۲-۱- ساختار نظری انتخاب نمونه‌ها: برای کنترل متغیرهای تحقیق (نظیر ویژگی‌های فرهنگی بستر طراحی)، نمونه‌هایی در جامعه‌ی آماری قرار می‌گیرند که در یک بستر مشخص و توسط معماران متفاوت به وجود آمده‌اند. برای تعیین بستر مذکور، معیارهایی نظیر بهره‌گیری از عوامل هویت بخش، پیشینه‌ی سنت معماری قابل ارجاع، شرایط مشابه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، در برداشتن آثار مطرح معماری معاصر و حضور رویکردهای بارز منطقه‌گرایی تأثیرگذار است. با توجه به این معیارها، همچنین با توجه به هدف پژوهش مبنی بر کاربردی بودن نتایج در ایران، مجموعه‌ی کشورهای در حال توسعه و با نگاهی دقیق‌تر، کشورهای خاورمیانه، به‌عنوان حوزه‌ی عام انتخاب می‌شوند. از میان کشورهای خاورمیانه، کشورهای عرب حوزه‌ی خلیج فارس به عنوان محدوده‌ی اصلی با محوریت عوامل مشترکی نظیر زبان، دین و سنت (Kulterman, 1999, 1-6) و دربرگیری آثار مطرح منطقه‌گرایی معماران غیر بومی در این کشورها از ۱۹۶۰ به بعد انتخاب می‌شوند.^{۱۲} دهه ۶۰ میلادی، آغاز ثبات سیاسی پس از استقلال (Uddin Khan, ed, 2000). شکوفایی اقتصاد نفت (کرتیس، ۱۳۸۰، ۱۲۷-۱۰۰)، آغاز توجه معماران مدرن به خاورمیانه به واسطه‌ی رکود ساخت و ساز در غرب و دهه‌ی انتقال معماری معاصر در کشورهای خاورمیانه از رویکرد سنتی به مدرن و طرح مباحث مربوط به هویت می‌باشد (دیوی، ۱۳۸۲، ۵۰-۴۶).

۲-۲- ساختار تحلیل نمونه‌ها: از بررسی‌های توصیفی و تحلیلی نمونه‌های موردی در حوزه‌ی عام، تجربیات معماران غیر بومی در چارچوب واژگان و عباراتی خلاصه می‌شوند. هر کدام از این واژگان، بر مصادیق جزئی‌تری دلالت دارند که برای تبیین بیشتر حوزه‌ی بحث مورد نظر قرار می‌گیرند. این واژگان، مشخص‌کننده‌ی چارچوب مواجهه با ویژگی‌های بستر فرهنگی بیگانه‌اند. اساس تحلیل، با استفاده از روش تحلیل محتوا، بر بررسی کمی واژگان تحلیل در نمونه آثار قرار داشته و با روش تحلیل کیفی، رابطه‌ی واژگان با یکدیگر و با ویژگی‌های بستر طراحی مشخص می‌شود. این رابطه در پنج مرحله‌ی خلق اثر شامل پیش از طراحی، خلق ایده، طراحی، ساخت و

۳-۲-۲-۲- جانمایی عملکردهای سمبلیک در بناهای تازه که نشان از تلاش معمار در نمایش پیوند میان بنا با مکان و گذشته فرهنگی زمینه‌ی طراحی دارد.^{۲۱}



تصویر ۴- دانشگاه دوحه، کمال الکفرای، هماهنگی با شرایط اقلیمی منجر به ایجاد هویت معمارانه شده است.
ماخذ: (UddinKhan, ed, 2000, 204)

۳-۳- هماهنگی فعال با شرایط اقلیمی

تطبیق بنا با اقلیم اطراف و توجه به بهره‌گیری از انرژی‌های محیطی، از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که در تمامی پروژه‌های بررسی شده به چشم می‌خورد. راجت (۱۹۷۱) اقلیم را به عنوان یکی از عوامل اصلی توجه معماران غربی به معماری منطقه می‌داند. به عقیده‌ی وی بناها، باید سکنه را با محدود کردن پنجره‌ها، ایجاد سایه و تهویه‌ی مناسب در برابر خورشید محافظت کنند. از این منظر، رویکرد معماران غیر بومی به منطقه‌گرایی در چارچوب زیست-منطقه‌گرایی^{۲۲} تعریف می‌شود. تأمین آسایش کاربران با توجه به رابطه‌ی فعال بنا و محیط، وظیفه‌ای است که علیرغم دستیابی به فناوری‌های نوین سرمایش و گرمایش، اهمیت دو چندان یافته است.^{۲۳}

هماهنگی با شرایط اقلیمی، با بهره‌گیری از فناوری‌های امروزی، منجر به استفاده از عناصری می‌شود که در مجموع به تعریف هویت منطقه‌ای در بنا کمک می‌کنند. دست‌یابی به سایه با استفاده از عناصری به نام مشربیه^{۲۴} و سقف‌های چادری (موزه ملی بحرین، وزارت امور خارجه عربستان، سفارت فرانسه، دانشگاه علم و هنر دوحه اثر ايسوزاکی^{۲۵}، فرودگاه جده)، بهره‌گیری از رنگ‌های روشن در احجام خارجی (مجلس ملی کویت)، استفاده از فضاهایی نظیر دالان و رواق، حیاط، باغچه و عناصری نظیر حوض آب برای استفاده از سایه و کوران هوا (وزارت امور خارجه عربستان)، استفاده از پوشش‌های گیاهی منطقه‌ای برای احیای مفهوم آبادی (قصر طویق)، استفاده از مصالح بوم‌آورد (قصر طویق، هتل سلطنتی مکه)، بازشوهای محدود (بانک جده)، استفاده از عناصر تهویه‌ی طبیعی نظیر بادگیر (دانشگاه قطر اثر الکفرای، تصویر ۴)، از روش‌های پاسخ به شرایط محیطی است که منجر به ظهور دستور زبانی تازه برای تعامل میان فناوری و سنت شده‌اند.

۳-۴- توجه به ویژگی‌های سایت

یکی از نمودهای منطقه‌گرایی، هماهنگی میان بنا و محیط کالبدی اطراف، به ویژه توجه به چشم‌اندازها، عوارض و هویت بصری سایت

نمود فناوری مدرن، رویکرد خاصی از منطقه‌گرایی را به نمایش می‌گذارد.^{۱۵} این رویکرد به طور عمده به استفاده از معماری باستانی و منابع در دسترس و تکنولوژی بومی توجه دارد. توجه به معماری پایدار و رابطه متقابل میان ساختمان و محیط مصنوع (اعم از طبیعت)، بحث استفاده از انرژی‌های پاک و سایر موضوعات زیست محیطی، محورهای این رویکرد در کشورهای مختلف است.^{۱۶} در این رویکرد، از ویژگی‌های بیانگر تکنولوژی معماری استفاده می‌شود و از دو منظر قابل بررسی است: یکی برداشت از الگوهای ساخت و ساز کهن و توجه به فناوری‌های بومی ساختمان‌سازی^{۱۷} و دیگری اشاعه‌ی تکنولوژی مدرن در قالبی سنتی، که مورد اخیر، بیشتر در جستجوی پیوند میان تکنولوژی مدرن با شکل و فرم بناهای قدیمی است. در برخی از پروژه‌ها استفاده از تکنولوژی به گونه‌ای استعاره‌گرا در نمای ساختمان‌ها قابل مشاهده است.

۳-۲- بیان استعاره‌ای فرم

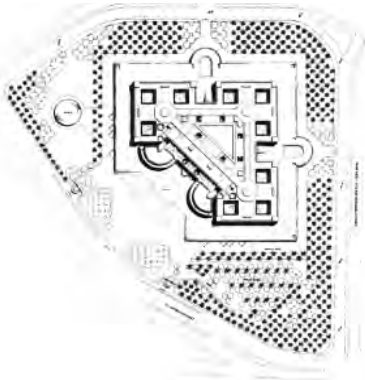
توجه به استعاره‌ها^{۱۸} در نمایش فرم، از نگرشی نشانه‌گرا (سمبلیک) به معماری حکایت می‌کند. بسیاری از تحلیل‌گران معماری خاورمیانه^{۱۹} منطقه‌گرایی اصیل را در توجه عمیق به مفاهیم و بیان استعاره‌ای آنها تعبیر می‌کنند. در آثار معماران غربی بومی در کشورهای مورد مطالعه، توجه به استعاره‌ها و بیان سمبلیک فرم‌ها، نشان از توجه معمار به ویژگی‌های بستر فرهنگی دارد. استفاده از استعاره‌ها، در گرو شناخت مفاهیم و مؤلفه‌های فرهنگی و مکانی ویژه است.^{۲۰} که مستلزم صرف زمان فراوان و درگیر شدن با فرآیندهای پیچیده‌ی حیات اجتماعی مخاطبین است. معماران غیر بومی، استعاره‌ها را به دوشکل به کار می‌برند:



تصویر ۳- مجلس ملی کویت، سقف‌های قوسی که استعاره‌ای از چادر و قایق (الضوء) است.
ماخذ: (Uddin Khan, ed, 2000, 139)

۳-۲-۱- بیان استعاری شکل‌ها و مفاهیم بومی شامل الف: اشاره به موضوعات عینی که در برگزیده برخی از مفاهیم یا معانی هستند. مثلاً: یک طاق یا قوس به مفهوم الهام از گذشته یا استفاده از مصالح آجری و یا جزئیات سنتی، به مفهوم پایبندی به گذشته و توجه به هویت مکانی، ب: اشاره به مفاهیمی خاص در معماری که از طریق فرم کالبد، سبک و مصالح بنا قابل فهم است. مانند مفاهیم سرمایه‌داری، فقر، قدرت و یا فناوری که در قالب نمادهایی خاص نمایش داده می‌شوند. ج: اشارات سمبلیک به برخی فرم‌ها و فضاهایی که ریشه در فرهنگ منطقه‌ای و سنت‌های معماری آن دارند نظیر فرم چادر (شکل ۳)، منار و گنبد و فضاهایی نظیر حیات، گودال باغچه، آبادی و

فضایی بر اساس اصول معماری اسلامی نظیر هندسه (وزارت امور خارجه عربستان، موزه ی ملی بحرین، دانشگاه قطر)، سلسله مراتب فضایی (هتل سلطنتی مکه^{۲۴})، محرمیت (هتل سلطنتی مکه)، درونگرایی^{۲۵} (بانک جده، بانک توسعه اسلامی)، تقارن و محوریت (سفارت فرانسه).

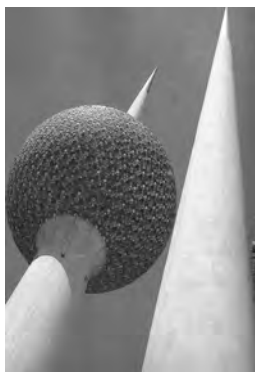


تصویر ۶- هندسه، به عنوان یکی از اصول معماری اسلامی، می تواند در قالب فرم مدرن، باز نمود شود. وزارت امور خارجه، ریاض، ماخذ: (Uddin Khan, ed, 2000, 196)

۳-۶- به کارگیری جزئیات، مصالح و تزئینات بومی

نمود منطقه گرایی، از طریق توجه به عناصر خرد مقیاس نظیر مصالح، آرایه بندی^{۳۶} و جزئیات^{۳۷} سابقه ای طولانی دارد. استفاده از مصالح، علاوه بر آنکه در چارچوب ویژگی های فنی و محیطی صورت می گیرد، بر مفاهیم خاص منطقه ای نظیر هویت مکانی و تعلق بنا به زمینه اشاره می کند.

آثار معماران غیر بومی در خاورمیانه، مملو از اشارات منطقه گرایی است که از طریق مصالح و تزئینات نمود یافته اند. با تقابل مصالح بومی و مدرن، معماران همچنین به بیان برخی مقولات اصلی و معتبر منطقه ای دست یافتند. در خاورمیانه این مسأله همچنان به عنوان یک تکنیک عملیاتی مطرح است چرا که تا کنون، سهم هزینه ی مصالح ویژه، بهره گیری طرح را از جزئیات تزئینی خاص امکان پذیر می سازد، جزئیاتی که به دلیل گران بودن مصالح، امکان اجرای آنها در کشورهای غربی وجود ندارد (Rogget, 1971, 20). در این مناطق، استفاده از مصالح بوم آورد، نشان از تلاش معمار برای بازنمایی هویت های منطقه ای دارد. در بسیاری موارد، این مصالح، به شکل سمبلیک، فارغ از تأثیر ساختاری خود، نشانه هایی از هماهنگی با زمینه اند (تصویر ۷).



تصویر ۷- برج آب کویت، استفاده از مصالح، جزئیات و رنگ، مفهوم استعاره ای (قمر درخشان) به بنا بخشیده است. ماخذ: (Uddin Khan, ed, 2000, 132)

و باز نمود آن در خلق ایده، فرآیند طراحی و استفاده از مصالح است^{۲۶}. توجه به سایت با سه نگرش؛ معماری در هماهنگی با سایت، معماری در تقابل با سایت و معماری یادمانگرا صورت می گیرد.

از بناهای مهمی که به تطابق با خطوط و چشم اندازهای سایت به عنوان ایده ی طراحی توجه کرده می توان به "هتل سلطنتی مکه" (تصویر ۲) اشاره کرد. آنچه در شکل گیری ایده ی این بنا تأثیر داشته، موضوع سایت پروژه و مجاورت با شهر مکه، با در نظر گرفتن ویژگی های بارز تپه های اطراف این شهر است که طراحی بنایی موقر را موجب شده است. در "قصر طویق"^{۲۷} (تصویر ۵) نیز، معمار کوشیده تا در قالب یک نظم ارگانیک فرم های منحنی تپه های طبیعی را در چرخش فرم بنا و رنگ صحرا را در استفاده از مصالح بوم آورد به نمایش گذارد. استقرار این بنا بر روی زمین، از طریق ایجاد ترکیبی همگون با خطوط طبیعی زمین صورت گرفته است.



تصویر ۵- قصر طویق، هماهنگی با خطوط سایت. ماخذ: (Davidson, ed, 1998, 102)

۳-۵- توجه به اصول معماری اسلامی

معماران بیگانه از آغازین سال های حضور در خاورمیانه، بر توجه به اصول معماری اسلامی تأکید داشتند. آنها با استناد به روش های شرق شناسانه ی خود، با ویژگی های معماری اسلامی کشورهای مختلف آشنا شده و طیفی از اصول، معیارها و در مرتبه ای ساده تر فرم های نمادین را، جهت ایجاد خوانایی فضایی و شکلی و هماهنگی با اصول زندگی مخاطبان مسلمان به کار می بردند. کرتیس (۱۳۸۰)، با انتقاد از کاربرد سطحی عناصر بناهای اسلامی با رویکرد التقاطی در بناهای جدید، آن را ناشی از گسترش جنبش "احیای هویت اسلامی" می داند. به عقیده وی، این هویت، ثابت نیست و باید با کنکاش در تاریخ و با توجه به تغییرات واقعی کارکردها، فناوری ها و نیازها، در چارچوب طرح های نو، باز نمود شود. دیوی (۱۳۸۲) نیز با استناد به نگرش متفکران نوآور مسلمان، به سنت و اخلاق اسلامی^{۲۸} جهت یافتن اصول عمل امروزی نگاه می کند^{۲۹}.

در نمونه های بررسی شده، اصول معماری اسلامی به دو صورت به کار برده می شود: ۱- در چارچوب استفاده از برخی فضاها، موتیف ها، تزئینات^{۳۰} و یا عناصر خاص معماری اسلامی در بناهای جدید با نگرش های استعاره گرا نظیر الگوی خطی بازار (مجلس ملی کویت)، حیاط مرکزی (بانک جده، وزارت امور خارجه ی عربستان)^{۳۱} (تصویر ۶)، آکادمی پلیس کویت^{۳۲}، مناره (برج های آب کویت)^{۳۳} ۲- شکل گیری ساختار مفاهیم و ایده های

۳-۷- الهام از مفاهیم خاص منطقه‌ای

رویکردهای نوین منطقه‌گرایی بر توجه معمار به ویژگی‌های خاص منطقه، به ویژه ساختارهای حیات اجتماعی انسان‌ها تأکید می‌کنند. این رویکردها، معمار را در مواجهه با محیط‌های در حال تغییر، نه یک حرفه‌ای، بلکه هنرمند و متفکر جلوه‌گر می‌سازند^{۳۸} (Mumtaz, 1985, 152). معمار، اندیشمندی است که باید توان سیر ذهنی از عالم محسوسات به نامحسوسات را داشته باشد. وی باید غبار طلایی سنت را که در فضا به پا خاسته، تسخیر کرده و آینده را پیش‌بینی نماید^{۳۹} (Ardalan, 2004, 76).

در نمونه‌های بررسی شده، توجه به مفاهیم خاص منطقه‌ای، در فرآیند خلق ایده‌های طراحی به طرق ذیل به کار گرفته شده است: توجه به روح مکان: ژرف‌ترین حد تعامل میان معمار و بستر طراحی، در قامت توجه وی به نامحسوسات، درک حس و روح مکان متجلی می‌شود. درک معنویت نهفته در برخی مکان‌ها، نیازمند داشتن اعتقادات مشابه است. تنها به واسطه‌ی کسب دانش از محیط کالبدی نمی‌توان روح مکان را درک کرد. در اینجا معمار باید از توان درک حکمت‌ها نیز برخوردار باشد. (هتل سلطنتی مکه) درک تقدس مفاهیم و اشیاء: در مناطق مختلف، ارزش برخی شکل‌ها، مفاهیم و اشیاء فراتر از تأثیرات کالبدی آنهاست. در فرهنگ حوزه‌ی مورد مطالعه، آب، آبادی و امنیت سه مفهوم مقدس هستند که در برخی آثار به بهترین شکل درک و بیان شده‌اند (برج‌های آب کویت، قصر طویق و وزارت امور خارجه‌ی عربستان) درک الگوهای رفتاری: یکی از جنبه‌های فرهنگ، ساختار بخشی به نظام رفتارهای انسان‌هاست که در طول زمان به الگوهایی تبدیل می‌شوند که ساختارهای قدرت و روابط اجتماعی میان افراد اجتماع را می‌سازند. این ساختارها با روح مکان پیوند خورده و هویت مکانی را متجلی می‌سازند. توجه به نظام روابط عشیره‌ای و جرگه‌سالاری (مجلس ملی کویت) و استفاده از آن در طراحی بناهای جدید (همه چیز زیر یک سقف قرار دارد)، توجه به الگوی رفتاری قبیله‌ها در بیابان و شیوه‌ی استفاده‌ی آنها از چادر به‌عنوان سرپناهی موقت (ترمینال حجاج جده) از تجارب موفق

معماران اندیشمندی است که درک آنها از منطقه، به مثابه مکانی برای تجلی باورها و ارزش‌هاست. این معماران، منطقه‌گرایی را در پیوند با بنیان‌های حیات اجتماعی و فرهنگی مردم و بازگویی آنها به زبان و الگوهای معماری تعریف می‌کنند. آنها همچنین، هیچگاه از تجلی خلاقیت مسولانه‌ی خود سرباز نمی‌زنند.

۴- نتایج نمونه مطالعه

بررسی جامع نمونه‌های موردی، نشان می‌دهد که کلیدواژگان معماری در زمینه‌ی بیگانه، به نسبت‌های مختلفی در خلق اثر دخالت دارند تفاوت‌های نتیجه‌شده، دارای معانی مختلفی است که در تعامل با یکدیگر می‌توانند رویکردهای مشخصی را تبیین نمایند. از جدول ۱، چنین نتیجه می‌شود که عمده‌ی تجارب موجود، اولویت‌های توجه به منطقه را در "همانگی فعال با شرایط اقلیمی" جهت تأمین آسایش کاربران به عنوان مهم‌ترین اصل، "توجه به جزئیات، مصالح و تزئینات بومی" به منظور نمود تعلق بنا به بستر فرهنگی و ایجاد خوانایی بیشتر در نزد کارفرمایان و مخاطبان و همچنین "توجه به مفاهیم معماری اسلامی" (هندسه و درونگرایی) به‌منزله‌ی بیان توانایی معمار در پیوند با سنت‌های تاریخی و زیرساخت‌های باورهای مخاطبان، تعریف نموده‌اند. این جدول همچنین نشان می‌دهد "بیان استعاره‌ای شکل‌های بومی" و "نمود فناوری مدرن" به نسبت یکسان در تجارب برگزیده‌ی معماران غیر بومی، حضور دارند به‌شکلی که از مجموع ۱۱ پروژه‌ای که هر دو مؤلفه را دارا می‌باشند، هشت پروژه مشترک است.^{۴۰} می‌توان چنین نتیجه گرفت که رویکرد عمده معماران غیر بومی در تجارب برگزیده، بیان استعاره‌ای فرم‌های بومی در قالب نمود فناوری مدرن است. در نمونه‌های موردی، فناوری مدرن مانع از توجه به ویژگی‌های اقلیمی نشده است. احیای فناوری‌های بومی در قالب سامانه‌های مدرن ساختمان‌سازی، عمدتاً با هدف پیوند با شرایط محیطی صورت گرفته است.

جدول ۱- ماتریس تحلیل کمی واژگان معماری در زمینه‌ی بیگانه در نمونه‌های منتخب.

مجموع بناها	مجموع نمونه	دانشگاه علم و هنر - قطر	آکادمی اسی - کویت	سناوات فریسه - اردن	قصر طویق - عربستان	بانک توسعه اسلامی - عربستان	موزه‌ی ملی - بحرین	دانشگاه قطر	وزارت رفاه خارجه - عربستان	بانک پارکلی - اردن	بانک پارکلی - عربستان	فروشگاه سناوات خالد - عربستان	ترمینال حج - عربستان	عجالی - کویت	تسهیل‌های آب - کویت	هتل سلطنتی - عربستان	فروشگاه نظهران - عربستان
۴	۹			*	*					*	*	*	*	*	*	*	*
۷	۷		*	*	*			*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۹	۹		*	*	*			*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	۳																
۱۴	۶		*	*	*			*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	۱۱		*	*	*			*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۵	۱۵	*	*	*	*			*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۵	۱۵	*	*	*	*			*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۶	۳			*	*							*	*	*	*	*	*
	۴			*	*			*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	۳											*	*	*	*	*	*
	۲	۳	۳	۳	۷	۴	۳	۵	۵	۴	۴	۵	۷	۷	۵	۷	۴

(ماخذ: نگارنده)

(بانک جده و بانک توسعه‌ی اسلامی)، تضاد مصالح و رنگ (بنیاد سلطان فیصل)، استفاده از فرم‌های غیرمعمول (برج‌های آب کویت)، تضاد سایه و روشن (بانک جده) (تصویر ۸) و گستردگی در سطح (وزارت امور خارجه‌ی عربستان) صورت می‌گیرد. یادمان‌گرایی، از طریق فناوری مدرن نمود می‌یابد.

گونه‌های عینی حضور معماران بیگانه در مراحل مختلف خلق اثر^{۱۳} (جدول ۲) نشان می‌دهد، که بهره‌گیری از فناوری و نظام مدیریت ساخت مدرن، همچنین کاربرد مصالح جدید، بیشترین مشارکت آنان را در طرح‌های منتخب در پی دارد. در واقع در بسیاری از پروژه‌ها، حضور معماران غیر بومی، عاملی است که مرحله‌ی ساخت پروژه‌ها را بر اساس استانداردهای روز تضمین می‌کند. پس از مرحله‌ی ساخت، رویکردهای معماران غیر بومی در مراحل پیش از طراحی و برنامه‌ریزی نیز پررنگ است. اینکه کارفرمایان بومی، معماران غیر بومی و عمدتاً غربی را انتخاب می‌کنند از آن جهت است که تصور می‌کنند این معماران می‌توانند از منظری آزاد با بهره‌گیری از دستاوردهای نوین، خواسته‌های آنان را در قالب فرم‌های مدرن بازنمود سازند.



تصویر ۸- بانک جده، یادمان‌گرایی.
ماخذ: (Uddin Khan, ed, 2000, 180)

از میان هفت مؤلفه‌ی اصلی تحلیل، دو مؤلفه‌ی "هماهنگی با چشم‌اندازهای سایت" و "توجه به مفاهیم خاص منطقه‌ای"، کمتر از جانب معماران غیر بومی دنبال شده‌اند. عمده‌ی بناهای بررسی شده، در تقابل با محیط ساخته شده‌اند. یادمان‌گرایی از مصادیق تضاد با زمینه‌ی کالبدی است که معماران غیر بومی در پاسخ به خواسته‌های توسعه‌محور کارفرمایان و برای خلق اسطوره‌های پیشرفت به آن گرایش دارند. نمود یادمان‌گرایی در پروژه‌های بررسی شده به وسیله‌ی تضاد در ارتفاع و تناسبات حجمی

جدول ۲- تحلیل حضور واژگان طراحی در زمینه‌ی بیگانه در مراحل خلق اثر.

مراحل خلق اثر	واژگان طراحی در زمینه‌ی بیگانه	مصداق عینی
پیش از طراحی	نمود فناوری مدرن	همکاری با فناوری‌های نوین به عنوان هدف اصلی طراحی
	بیان استعاره‌ای فرم	قلبه‌ی رویکرد سبک در نمایش جامعه‌ی آینده، تبلیغ سیاسی و اقتصادی
خلق ایده	بیان استعاره‌ای فرم	توجه به بیان استعاره‌ای فرم‌ها در منطقه‌ای برای نمایش ایده‌های طراحی
	مفاهیم خاص منطقه	اخذ مفاهیم طراحی از ویژگی‌های نامحسوس مکانی
	معماری اسلامی	استفاده از مفاهیم و اصول معماری اسلامی
طراحی	هماهنگی با چشم‌اندازهای سایت	خطوط سایت و تخیلات مشتق از آن به عنوان عناصر الهامات طراحی
	هماهنگی با شرایط اقلیمی	توجه به استقرار یخسوز بنا در سایت، هماهنگی با منظر
	جزئیات، مصالح، تزئینات	توجه به کنترل بیهوشی عوامل اقلیمی برای صرفه‌جویی
ساخت	نمود فناوری مدرن	بهره‌گیری از فناوری و نظام مدیریت جدید
	مصالح	مصالح بوم‌آورد
بهره‌برداری	تیرری کار بومی	احساس تعلق بیشتر مردم با بنا از طریق مشارکت در ساخت
	هماهنگی فعال با شرایط اقلیمی	حیات پایدار زیست محیطی، آسایش ساکنین
	مفاهیم خاص منطقه	هماهنگی با الگوهای رفتاری و تبارها، تخصصی‌سازی بنا

(ماخذ: نگارنده)

جدول ۳- تحلیل نسبت واژگان طراحی در زمینه‌ی بیگانه با مؤلفه‌های تعامل فرهنگی.

مؤلفه‌های تعامل فرهنگی	واژگان طراحی در زمینه‌ی بیگانه	مصداق عینی	برآیندگی
فناوری	نمود فناوری مدرن	توجه به فناوری به عنوان نظام حیات احصای جدید	۹
فرهنگ	مفاهیم خاص منطقه‌ای	درک الگوهای رفتاری-شناخت الگوها و سبب‌های فرهنگی	۶
	اصول معماری اسلامی	شناخت ارزش‌ها، باورها و هنجارها	
مکان	هماهنگی با شرایط اقلیمی	درک مکان کالبدی	۷
	توجه به ویژگی‌های سایت	شناخت هویت مکان و حس مکان	
هویت	بیان استعاره‌ای فرم	توجه به خوانایی بنا-حس تعلق به بنا-بازنمود ویژگی‌ها	۹
	اصول معماری اسلامی	بازنمایی هویت دینی در پرتو باورها و ارزش‌ها	
	جزئیات- مصالح- تزئینات	توجه به هویت‌های شخصی و گروهی	

(ماخذ: نگارنده)

تضاد با آنچه که در پروژه های مطرح پیشنهاد شده قرار دارد. علاوه بر فناوری، تعریف هویت نیز به عنوان یکی از اهداف پروژه ها دنبال شده است. هویت منطقه، در فرآیند تعریف هویت های فردی و گروهی تعریف شده و با شاخصه هایی نظیر جزئیات، مصالح و تزئینات، اصول هویت بخش معماری اسلامی و فرم های استعاره ای و نمادین به ظهور می رسد.

نتایج جدول ۳ نیز نشان می دهد که تعامل معماران با منطقه، بیشتر در چارچوب تعریف آنها از واژه ی فناوری تبیین می شود. در این پروژه ها، فناوری، مهم ترین شاخصه ی حیات امروز اجتماعی مردم قلمداد شده و تصور حضور مؤثر آنها در عرصه ی تعاملات فرهنگی جهان، در نموده های فناورانه خلاصه می شود. در غالب پروژه ها، زیر ساخت های فناوری جامعه در

نتیجه

فضایی بوجود می آورد که به شبکه های اجتماعی تولیدکنندگان و منابع غیر انسانی لازم برای ساخت اتصال دارد. به این ترتیب، فناوری، برساخته از نظام تعاملی میان سه عامل دانش بشری، الگوی فعالیت انسانی و مجموعه ای از اشیاء است.

فرآیند طراحی این پروژه ها، نشان از تعامل معمار و بستر طراحی دارد. در این شرایط، هویت های معمار و بستر باقی می ماند و در جهت دست یابی به هویتی متعالی، پیوند می خورند. در فرآیند اجتماعی و فرهنگی تعامل و گفتگو، تکنولوژی نقش مهمی بر عهده دارد. در طول تاریخ، فناوری (چه در سطح ابزار و چه در سطح انکشاف طبیعت) از جایی به جای دیگر انتقال می یافت. این انتقال، همراه با تطبیق ماهیت تکنولوژی با ویژگی های فرهنگی بستر وارد کننده بود.^{۴۲} معماری در ارتباط با بستر فرهنگی، تکنولوژی را به عنوان ساختاری اجتماعی جهت تعامل با طبیعت در چارچوب انضباط می نگرد و آنرا جزء تجربیات یک مکان می داند. در این حالت، نوع هستی شناسی فرهنگی، بر تجارب فناورانه، تأثیر بسزایی دارد. در معماری امروز، تلاش می گردد که سازمان این تجربیات، به شکل ابزارهای مدرن، بازآفرینی شود. از آنجا که رویکرد جدید منطقه گرایی، در شرایط معاصر حاکم بر روابط میان فرهنگی (دنیای چند فرهنگی) قابل تعریف است، فناوری به عنوان مهم ترین مشخصه ی چنین شرایطی، مهم ترین نقش را در تعریف معیارهای این گونه از منطقه گرایی بر عهده دارد.

نتایج فوق، نشان می دهد که نگاه نوآورانه و مبتنی بر فناوری های نوین به مفاهیم خاص منطقه ای، اصلی ترین روش بازنمود منطقه گرایی است که به وسیله ی معماران در زمینه های بیگانه تجربه شده است. توجه به فناوری یا در قالب نمایش پوسته ای در بیرون بنا و یا در چارچوب فرآیندهای برنامه ریزی و ساخت مورد توجه معماران غیر بومی بوده است. این معماران می توانند در تمامی مراحل خلق اثر، حضوری فعال و کارساز داشته باشند. همکاری معماران غیر بومی و بومی به ویژه در پروژه هایی با کاربری های خاص (که سابقه ی منطقه ای داشته و با باورهای فرهنگی و اعتقادی مردم، پیوندهای عمیق برقرار ساخته اند) سازوکاری است که دست یابی به نتایج مطلوب را آسان تر می سازد. درون نگری و جزء نگری معماران بومی به همراه برون نگری و کل نگری معماران غیر بومی (عمدتاً مدرن گرایان) در پروژه های تعامل گرا، منجر به خلق آثاری ماندگار شده است. حضور معماران غیر بومی در کشورهایی با سابقه ی فرهنگی ریشه دار، باید با حساسیت های بیشتری دنبال شود. تأکید بر این امر به این خاطر است که از میان مؤلفه های تعامل با محیط، فرهنگ به دلیل پیچیدگی هایی که در ساختار خود دارد چندان مورد توجه معماران غیر بومی قرار نداشته است.^{۴۳}

در نمونه های موفق، توجه یکسانی به تمامی مفاهیم کلیدی طراحی شده است. این پروژه ها، نشان از شکل گیری نگرشی تازه به منطقه گرایی دارند. در این نگرش، شبکه فناوری، پیوندهای

پی نوشت ها:

۱ رابطه ی معماری و بستر فرهنگی، در چارچوب رویکردهای زمینه گرایی، تاریخ گرایی، بوم گرایی، سنت گرایی و منطقه گرایی دسته بندی می شود. برای مطالعه ی بیشتر رک. (شاپان، ۱۳۸۷).

۲ Resistance-Response.

۳ Imitation-Invention.

۴ Tradition-Modernity.

۵ Historicism.

۶ National Romanticism.

Authenticity ۷

Referential Regionalism ۸

Regenerative Regionalism ۹

Professionals. ۱۰

۱۱ آنچه به عنوان عرصه‌ی بیرونی بومی نگری نظریه و حرفه (Endemic Outsideness of Theory and Professionalization) در قالب یکی از پرسش‌های اصلی منطقه‌گرایی عنوان شده، اشاره به چالش‌هایی دارد که از استیلا‌ی رویکرد حرفه‌ای به معماری ناشی شده است. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. (Canizaro, 2007).

۱۲ جدول ۴ - مشخصات نمونه‌های مورد مطالعه.

ردیف	نام بنا	معمار، ملیت	سال ساخت	مکان
۱	فرودگاه طهران	مینورو یاماساکی - آمریکا	۱۹۶۱	تهران - عربستان
۲	هتل و مرکز همایش	فری اوتو + رولف گانبراد - آلمان و انگلستان	۱۹۶۷-۱۹۷۶	مکه - عربستان
۳	برج های آب کویت	مالن بورن - سوئد	۱۹۶۹-۱۹۷۶	کویت
۴	ساختمان مجلس ملی	یورن اوتزون - دانمارک	۱۹۷۲-۱۹۸۳	کویت
۵	ترمینال حج	اسکیدمور، اوینگز و مریل - آمریکا	۱۹۷۴-۱۹۸۲	جده - عربستان
۶	فرودگاه بین المللی سلطان خالد	گروه معماران HOK - آمریکا	۱۹۷۵-۱۹۸۳	ریاض - عربستان
۷	بانک بازرگانی	اسکیدمور، اوینگز و مریل - آمریکا	۱۹۷۷-۱۹۸۳	جده - عربستان
۸	دانشگاه یرموک	کنزو تانگه و جعفر توکان - ژاپن و اردن	۱۹۷۷-۱۹۸۹	عمان - اردن
۹	وزارت امور خارجه	هنینگ لارسن - دانمارک	۱۹۸۰-۱۹۸۴	ریاض - عربستان
۱۰	دانشگاه قطر	کمال الکفراوی - مصر	۱۹۸۰-۱۹۸۵	دوحه - قطر
۱۱	موزه ی ملی	کرون و هارتینگ راسموسن - دانمارک	۱۹۸۲-۱۹۸۹	منامه - بحرین
۱۲	بانک توسعه ی اسلامی	شرکت نیکن سکی - ژاپن	دهه ی ۸۰	ریاض - عربستان
۱۳	قصر طویق	فری اوتو + عمرانیه - آلمان و عربستان	۱۹۸۵	ریاض - عربستان
۱۴	سفارت فرانسه	آتلیه معماری - فرانسه	۱۹۸۶-۱۹۸۹	مسقط - عمان
۱۵	آکادمی پلیس	اسکیدمور، اوینگز و مریل - آمریکا	۱۹۹۷-۲۰۰۴	کویت
۱۶	دانشگاه دوحه	آراتا ایسوزاکی - ژاپن	۲۰۰۵	دوحه - قطر

(ماخذ: نگارنده)

۱۳ توجه به این نکته مهم است که منظور از نمود فناوری مدرن، تأکید بر استفاده‌ی نمادین از فناوری است که به عنوان نشانه، بر امروزی بودن بنا تأکید می‌کند. در پروژه‌های موفق معماران غیر بومی، عمدتاً سعی شده که فناوری، در خدمت نمایش نمادین فرم‌های بومی، برای تعریف هویت، قرار گیرد. (هتل کونتینانتال در مکه، قصر طویق، پارلمان کویت، بانک جده، فرودگاه جده، برج‌های آب کویت، فرودگاه بین‌المللی سلطان خالد، فرودگاه طهران و بانک توسعه‌ی اسلامی از پروژه‌هایی هستند که نمود فناوری مدرن، به عنوان اندیشه‌ی غالب در شکل‌گیری ایده‌های ساختار دهنده‌ی آنها مؤثر بوده است).

۱۴ کالترن (۱۹۹۹)، ضمن اشاره به اینکه هویت منطقه‌ای و تداوم فرهنگی، از طریق برخی فرم‌های نمادین، نمود خواهند یافت، با اشاره به چادر، به عنوان یک سازه، آن را از فرم‌هایی می‌داند که به مدد توسعه‌ی فناوری، می‌تواند شکلی امروزی گرفته و در پروژه‌های مختلف استفاده شود.

۱۵ تحت عنوان رویکرد تکنولوژیک به منطقه‌گرایی قابل تعریف است (شایان، کامل‌نیا، ۱۳۸۷).

۱۶ این نوع رویکرد، تا امروز نیز به عنوان یکی از پاسخ‌های موفق به سؤال چگونگی تعامل جهانی شدن و ویژگی‌های بومی مطرح است.

۱۷ از این منظر، بسیاری از رویکردهای جدید در طراحی معماری اکولوژیک بر اساس فناوری‌های بومی در قالب منطقه‌گرایی تعریف می‌شوند. برای مطالعه بیشتر ر.ک. (Abel, 1997).

۱۸ استعاره مفهومی است که به عینیتی خاص دلالت دارد. استعاره یا محسوس است یعنی بلافاصله مخاطب آن را با ریشه‌های مفهومی‌اش درک می‌کند و یا نامحسوس است، یعنی مخاطب در فرآیند ذهنی پیچیده‌ای با تعبیر معنای استعاره روبرو می‌شود (دیبا و دیگران، ۱۳۸۵).

۱۹ برای مطالعه بیشتر ر.ک. (کرتیس، ۱۹۹۶)، (اودین خان، ۲۰۰۰)، (دیوی، ۱۹۹۸).

۲۰ برخی از شکل‌های فرهنگی خاص موجود در میان اعراب نظیر چادر، قایق، همچنین چشم‌اندازهایی نظیر صحرا، آبادی از موضوعاتی است که توسط معماران غیر بومی در چارچوب بیان استعاره‌ی به نمایش درآمده‌اند. (مجلس ملی کویت: بهره‌گیری از استعاره‌ی قایق و بادبان، برج‌های آب کویت: بیان سمبلیک درخت نخل، وزارت امور خارجه‌ی عربستان: بیان سمبلیک قلعه و دژ به منظور نمایش مفهومی نظیر ایمنی، قصر طویق و هتل کونتینانتال: بهره‌گیری از استعاره‌ی چادر و خیمه).

۲۱ در فرودگاه بین‌المللی سلطان خالد در عربستان و یا فرودگاه بین‌المللی کویت، در مرکز بنا مسجد ساخته می‌شود که نشان از تعلق بنا به سرزمین اسلامی دارد.

۲۲ Bioregionalism

۲۳ کرتیس با اشاره به معماری مجلس ملی کویت، توجه به ویژگی‌های اقلیمی مکان را نوعی ژرف‌اندیشی در سنت‌های کهن منطقه‌ای می‌داند آنجا که عمق تعبیر اوتزون از نمونه‌ی آرمانی محلی را به این ترتیب شرح می‌دهد: "آفتاب شدید کویت که به طور خطرناکی می‌تابد، محافظت در سایه را ضروری می‌سازد - سایه برای وجود آدم بسیار ضروری است - و این سرسرا که سایه را برای اجلاس‌های عمومی تأمین می‌کند، می‌تواند نماد چتر حفاظت فرمانروایی بر سر مردم باشد. ضرب‌المثل عربی می‌گوید: زمانی که فرمانروایی می‌میرد، سایه‌اش از بین می‌رود." (کرتیس، ۱۳۸۰، ۱۲۵).

- ۲۴ مشربیه، به صفحات مشبک چوبی اطلاق می‌گردد که به عنوان سایه بان بر روی پنجره‌های بیرونی بینا نصب می‌شوند. در بسیاری از بناهای مدرن در کشورهای عربی، مشربیه به عنوان نماد معماری منطقه‌ای به کار می‌رود.
۲۵ برای مطالعه بیشتر ر.ک. (Kojima, 2004).
- ۲۶ بسیاری از رویکردهای منطقه‌گرایی، نظیر منطقه‌گرایی انتقادی و نوین، بر هماهنگی بنا و ویژگی‌های زمین ساختی و عدم تظاهر به غلبه بر سایت به عنوان ویژگی‌های اصلی معماری منطقه‌گرا تأکید دارند (Frampton, 1985).
- ۲۷ Tuwaiq Palace.
- ۲۸ جهانبینی اسلامی بر پایه‌ی اصولی استوار است، این اصول، معیارهای نظری و عملی رفتارهای مسلمانان را شکل می‌دهند که در معماری نیز مصداق‌هایی می‌یابند. موضوعاتی نظیر انسان، خلیفه‌ی خدا بر روی زمین است، هر چیزی که به صراحت تحریم نشده باشد مجاز است، سودمندی انسان و اعمالش و پرهیز از بیهودگی، عدالت، صداقت و پرهیز از اسراف، از مبانی اعتقادی مسلمانان است.
- ۲۹ اعتقاد به اسلام، به همراه میراث عربی، عامل وحدت بخش معماری در کشورهای عربی است. جان وارن (۱۹۸۲) خاطر نشان می‌سازد که اسلام، در شیوه‌ی زندگی باز نمود می‌شود. اگر این زندگی در شیوه‌ی کاربرد معماری منعکس شود آنگاه معماری با زندگی هماهنگ می‌شود. در چنین حالتی، معماری اصیل خواهیم داشت. اما معماری با الحاق عناصر اسلامی، اسلامی نخواهد شد.
- ۳۰ تزئینات و آرایه‌های معماری اسلامی، عمدتاً با الهام از هندسه‌ی اسلامی در بناهای جدید نمود می‌یابند.
- ۳۱ توجه به الگوهای معماری اسلامی نباید معمار را از توجه به جنبه‌های مهم دیگری نظیر پیوند فضایی غافل نماید. فیداعلی (۱۹۸۵) در نقدی بر پروژه‌ی وزارت امور خارجه‌ی عربستان می‌نویسد: "... باید به یک مثال اشاره کنم که به وضوح بیان می‌کند که چگونه منطقه‌گرایی و توجه به سنت‌های تاریخی [و مذهبی] وقتی به یک بنای قرن بیستمی تحمیل شود، منجر به ظهور اثری می‌شود که تاریخ و سنت، به طور مؤثر از بخش‌های فعال طراحی جدا می‌شوند. وزارت امور خارجه در ریاض، اثر هنینگ لارسن، اگرچه کار زیبایی است، نگاهی به پلان نشان می‌دهد که تقریباً دو سوم مساحت ساختمان فدای معابر، حیاط‌ها، دالان‌های نور و فواره‌ها شده که به ساختمان حس سنتی می‌بخشند، در حالیکه یک سوم باقیمانده یا حتی کمتر از کل مساحت ساخته شده‌ی ساختمان برای بخش اداری کارمندان اختصاص یافته است. اگرچه لارسن به هیچ وجه معمار بدی نیست، اما همه‌ی ما باید مقید باشیم در صورت مواجهه با چنین راه حل‌هایی، در صورتی که می‌خواهیم، از سنت‌های منطقه‌ای و میراث به عنوان معیارهای طراحی استفاده کنیم" (Ali, 1985, 94).
- ۳۲ برای مطالعه بیشتر ر.ک. (Bussel, 2000, 178-185).
- Architecture & Community Building in the Islamic Word Today, Aga Khan Award for Architecture, Islamic Publication, 173-181۳۲
Unknown (1983)
- ۳۴ Ibid, 151-161
- ۳۵ موزه‌ی ملی بحرین، از نمونه‌هایی است که معمارانش در فرآیند پیچیده‌ی آگاهی یافتن از ویژگی‌های زمینه‌ی فرهنگی، موفق بوده‌اند آنجا که طراح پروژه‌ی ناد هولشر (Knud Holscher) مواجهه با فرهنگ بیگانه را چنین توصیف می‌کند: "درونگرایی، چه بسا، اصلی‌ترین وجه از معماری اسلامی است. حتی آثار یادمانی نیز بیرونی خود ساخته‌دارند. شخص باید ورای پوسته‌را جستجو کند، جایی که معماری اسلامی، در غنای بخشهای فضایی رنگارنگ و اغلب غافلگیر کننده، آشکار می‌گردد. کنترل پیچیده‌ی نور روز و تزئینات، اغلب به بیان مقدماتی فضا، الحاق می‌شوند" (29- Holscher, 1990, 24)
- ۳۶ آرایه‌بندی، شامل الحاقاتی به بنا می‌باشد که برای شخصی‌سازی فضا و بازنمایی سلاقی و هنجارهای کاربران کاربرد می‌یابد (capon, 1999)
- ۳۷ منظور از جزئیات، روش‌های فنی ساخت بناست که در معرض نمایش قرار می‌گیرند. برخی جزئیات، علاوه بر کارکرد فنی، جنبه‌ی تزئینی دارند.
- ۳۸ بدران نیز، با اشاره به آنکه معماری، محصول تعامل فرهنگ، اجتماع، اقتصاد و محیط می‌باشد به جایگاه ویژه و حساس معمار در فرآیند ایجاد حس تعلق معماری به مکان اشاره کرده و نقش معمار را نه تحمیل سبک‌های شخصی خود بر مکان، بلکه درگیر شدن با رمز و راز یک مکان و تلاش جهت دستیابی به ابزار و رسانه‌های بیان حس مکان می‌داند (Badran, 2002, 105-110).
- ۳۹ اردلان (۲۰۰۴)، در تشریح فرآیند طراحی خود در زمینه‌های بیگانه، به ربط فرهنگی به معنای تطابق (هم‌سازی) الگوهای فطری، اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها با معماری اشاره می‌کند. وی توجه به نشانه‌ها و سمبول‌های پایدار فرهنگی و ادراک ژرف از کهن‌الگوها و الگوواره‌های عقلانی جامعه را حیاتی می‌داند. اردلان، تحقیق و پیمایش در نمونه‌های سنتی موجود و پژوهش در روح شکل‌های منطقه‌ای، تحلیل تاریخی - بصری سایت اطراف، ثبت ویژگی‌های فرهنگی مکان بر اساس شکل‌ها و الگوهای اصلی، مصاحبه با کاربران برای فهم الگوهای فرهنگی و اجتماعی کاربرد فضا و فعالیت‌های روزانه و از همه مهمتر، فهم ساختارهای اعتقادی و ایمان مخاطبان را از ابزارهای درک مفاهیم خاص منطقه‌ای به منظور دست‌یابی به الهامات ویژه در طراحی می‌داند. وی همچنین در تشریح فرآیند خلق ایده در برخی آثار معاصر خود، به برخی الگوواره‌های بصری (باغ و حیاط) اشاره می‌کند که از فرهنگ سرزمین ایران اقتباس شده است. برای مطالعه‌ی بیشتر، ر.ک. (Ardalan, 2002, 9-18).
- ۴۰ این هشت پروژه عبارتند از: فرودگاه طهران، هتل سلطنتی مکه، برج‌های آب کویت، مجلس ملی کویت، ترمینال حجاج جده، فرودگاه سلطان خالد عربستان، بانک بازرگانی جده و قصر طویق ریاض.
- ۴۱ جدول ۲ مشخص می‌کند که در هر کدام از مراحل خلق اثر، معماران غیر بومی از کدام واژگان طراحی بیشتر استفاده نموده‌اند.
- ۴۲ به جدول شماره ۳ مراجعه شود.
- ۴۳ تکنولوژی، در فرآیند تغییرات اجتماعی و فرهنگی جوامع مختلف، با تکیه بر ویژگی‌های ابزار گونگی خود، نمایش تغییر و تحول و به روز شدن را به بهترین شیوه نمایش می‌دهد. ایجاد فرم‌های جدید در معماری، عمدتاً به واسطه‌ی پیشرفت تکنیک‌های بهره‌گیری از مواد و مصالح است. در معماری ایرانی، این تحول در راستای کاهش ماده و افزایش فضا به چشم می‌خورد. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. (میرمیران، ۱۳۷۴، ۳۰).

فهرست منابع :

- آنتونیاداس، آنتونی سی (۱۳۸۱)، بوطیقای معماری، ترجمه‌ی احمدرضا آی، جلد دوم، انتشارات سروش، تهران.
- برگر، پیتر. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۴)، چند جهانی شدن، ترجمه‌ی علی کمالی و لادن کیانمهر، انتشارات روزنه، چاپ اول، تهران.
- دیبا، داراب. محمدحسن خادم‌زاده، حمیدرضا شایان، حامد کاملنیا و محمدجواد مهدوی‌نژاد (۱۳۸۵)، بررسی رویکردهای معماری معاصر ایران: تحلیل کالبدی محتوایی بناهای دهه‌ی ۸۰-۶۰، معماری و شهرسازی، شماره ۸۴، ۲۹-۱۸.
- دیوی، پیتر (۱۳۸۲)، مروری بر معماری خاورمیانه، ترجمه‌ی مرضیه بانژاد، آبادی، شماره ۳۸، ۵۰-۴۶.
- شایان، حمیدرضا (۱۳۸۷)، معماری در دنیای چند جهانی، نامه‌ی هنر، شماره ۲، دانشگاه هنر، تهران، ۱۴۳-۱۲۹.
- شایان، حمیدرضا، کاملنیا، حامد (۱۳۸۷)، منطقه‌گرایی و چالش‌های معماری معاصر در آغاز هزاره‌ی سوم، معماری و شهرسازی، شماره ۹۱ و ۹۰، ۱۵-۱۰.
- فی، برایان (۱۳۸۶)، فلسفه‌ی امروزی علوم اجتماعی، با نگرش چند فرهنگی، ترجمه‌ی خشایار دیهیمی، انتشارات طرح نو، تهران.
- کرتیس، ویلیام ج. (۱۳۸۰)، مدرنیته، سنت و هویت در جهان رو به توسعه، ترجمه‌ی سحر بالازاده، معماری ایران (ما)، شماره ۵، ۱۲۷-۱۰۰.
- لاوسون، برایان (۱۳۸۴)، طراحان چگونه می‌اندیشند، ترجمه‌ی حمید ندیمی، انتشارات شهید بهشتی، تهران.
- مالینوفسکی، برونیسلاو (۱۳۸۴)، نظریه‌ی علمی درباره‌ی فرهنگ، ترجمه‌ی عبدالحمید زرین قلم، نشر گام نو، چاپ دوم، تهران.
- مامفورد، لویی (۱۳۸۵)، فرهنگ شهرها، ترجمه‌ی عارف اقوامی مقدم، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی معماری و شهرسازی، تهران.
- میرمیران، سیدهادی (۱۳۷۴)، معماری ایرانی در سخن چهار نسل از معماران صاحب نظر، آبادی، شماره ۱۹، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی معماری و شهرسازی، تهران، ۳۰-۲۸.
- نوربرگ شولتز، کریستین (۱۳۸۶)، ریشه‌های معماری مدرن، ترجمه‌ی محمدرضا جودت، انتشارات شهیدی، چاپ اول، تهران.
- Abel, Chris (1997), *Architecture as Identity, and Living in a Hybrid World*, Architecture and Identity: Towards a Global Eco-Culture, Oxford.
- Ali, Habib Fida (1985), *Regionalism as a Source of Inspiration for Architects*, In *Regionalism in Architecture*, (Proceeding of the Regional Seminar in the series Exploring Architecture in Islamic Cultures, Dhaka, December 17-22), Robert Powell, ed. Singapore, Concept Media Pte Ltd, the Aga Khan Award for Architecture, pp. 92-94.
- Ardalan, Nader (2002), Simultaneous Perplexity: The Paradise Garden as the Quintessential Visual Paradigms of Islamic Architecture and Beyond, *Understanding Islamic Architecture*, Petruccioli & Pirani, ed. Routledge, London, pp. 9-18.
- Ardalan, Nader (2004), Building in the Persian Gulf, In *Iran, Architecture for Changing Societies*, Philip Jodidio, ed. Aga Khan Award for Architecture, Umberto Allemandi & C., Turin, Italy, pp. 75-82.
- Badran, Rasem (2002), On the Poetic of Place: The Communicability of an Architectural Image, *Understanding Islamic Architecture*, Petruccioli & Pirani, ed. Routledge, London, pp. 105-110.
- Boussora, Kenza (2007), Regionalism: Lessons from Algeria and the Middle East, *Architectural Regionalism*, (Collected Writings on Place, Identity, Modernity and Tradition), Vincent Canizaro, ed. Princeton Architectural Press, New York: USA, pp. 120-127.
- Bussel, Abby (2000), SOM Evolutions, *Recent Works of Skidmore, Owings & Merrill*, Birkhauser, Germany, pp.178-185. (Kuwait Police Academy)
- Cambridge (2000), *Cambridge International Dictionary of English*, Cambridge University Press.
- Canizaro, Vincent B. (2007), The promise of Regionalism, *Architectural Regionalism*, (Collected Writings on Place, Identity, Modernity and Tradition), Vincent Canizaro, ed. Princeton Architectural Press, New York: USA, pp.10-12.
- Capon, David Smith (1999), *Architectural Theory*, v.2 Le Corbusier's Legacy: Principles of Twentieth Century Architectural Theory Arranged by Category, John Wiley & Sons Ltd.
- Colquhoun, Alan (2007), The Concept of Regionalism, *Architectural Regionalism*, (Collected Writings on Place, Identity, Modernity and Tradition), Vincent Canizaro, ed. Princeton Architectural Press, pp.146-155.
- Curtis, William J.R. (1985), Regionalism in Architecture, Session 3, In *Regionalism in Architecture*, (Proceeding of the Regional Seminar in the series Exploring Architecture in Islamic Cultures, Dhaka, December 17-22), Robert Powell, ed. Singapore, Concept Media Pte Ltd, the Aga Khan Award for Architecture, pp. 73-77.
- Frampton, Kenneth (1985), *Modern Architecture: A Critical History*, Thames and Hudson, London.
- Hultcher, Knud (1990), The National Museum of Bahrain, *MIMAR: Architecture in Development*, No. 35, Concept Media Ltd, Singapore, pp. 24-29.
- Kojima, Kazuhiro. Akamatsu, Kazuko. Isozaki, Arata (2004), Bridge, Arts & Science Collage, *Education City*, Doha, Qatar, JA (Japanese Architecture), No 53.
- Kultermann, Udo (1999), *Contemporary Architecture in the Arab States, Renaissance of a region*, McGraw Hill, USA.

- Mumtaz, Kamil Khan (1985), The Architect and the Changing Environment, Session 5, Regionalism in Architecture, Proceeding of the Regional Seminar in the series Exploring Architecture in Islamic Cultures, Sponsored by the Aga Khan Award for Architecture, Dhaka, December 17-22, edited by Robert Powell, Concept Media Pte Ltd, Singapore, 151-152.
- Ragette, Friedrich (1971), Building on Tradition, Saudi Aramco World, Volume 22, No 3, 15-23.
- Rapoport, Amos (1990), The Meaning of the Build Environment, the University of Arizona Press, USA.
- Unknown (2000), World Architecture 1900-2000. A Critical Mosaic, Hasan Uddin Khan, ed. Volume 5, Middle east, Springer Wein New York.
- Unknown (1998), Legacies for the Future, Contemporary Architecture in Islamic Societies, Cynthia C. Davidson, ed. Thames and Hudson Ltd and Aga Khan Award for Architecture, 96-113.
- Warren, John (1982), Integrating Traditional Areas into the Modern Urban Fabric, in Adaptive Reuse, Proceeding of Seminar 3, Designing in Islamic Cultures, Cambridge, Mass, 40-44.

